

فصل چهارم). اصل تقدّم ارتباط‌گیری بر پاسخ‌گویی

مهمانی که وارد منزل ما می‌شود گاهی مساله، شیوه پذیرایی از اوست، یعنی بحث از شیوه روبه‌رو شدن و استقبال از مهمان است و گاهی سخن از محتوای پذیرایی است. مثل اینکه با چه غذایی از مهمان پذیرایی کنیم. در پاسخ‌گویی به سوالات کودکان نیز این دو بخش وجود دارد: یکی شیوه مواجهه و برخورد با سوال‌کننده و سوال اوست و دیگری شیوه پاسخ‌گویی به پرسش اوست. در شیوه برخورد با مخاطب، با قلب و دل مخاطب مواجه می‌شویم؛ ولی در پاسخ‌گویی با ذهن و فکر او.^[۱]

مقصود از این اصل این است که تا زمانی که رابطه میان پاسخ‌گو و پرسش‌گر، رابطه عادی، سالم و خوش نباشد، نمی‌توان پاسخ مؤثر داد؛ چرا که در چنین حالتی، پاسخ‌ها پذیرفته نمی‌شود. ابتدا باید با برخورد نرم، رابطه خوب، اخلاق و منش حسنه، ارتباطی دوستانه برقرار کرد و سپس پاسخ داد.

راز بسیاری از گریزهای کودک و نوجوان و جوان از ما به خاطر محتوای پاسخ‌گویی ما نیست بلکه نوع مواجهه ماست. حتی کسی که منکر خدا و ایمان است، وقتی با او گرم بگیریم و ارتباط برقرار کنیم تازه روی حرف‌های ما فکر می‌کند.

برخی روان‌شناسان نیز اذعان دارند که «پیوند عاطفی مادر با کودک مبنای تمام روابط

بعدی است.»^[۲]

راه‌کارهای ارتباط‌گیری با کودکان

۱. برای ارتباط‌گیری می‌توان با سلام و احوال‌پرسی و سؤالات بدیهی و نیز تشویق پرسش‌گر آغاز کرد. سپس خوش و بش و شوخی مناسب نمود. برخورد از سر عطف و مهرآمیز در برقرار کردن ارتباط بسیار موثر است.

دربارهٔ مربیان نیز همین‌طور است. مربی باید بداند کودکان و نوجوانان به ظاهر رفتاری و دینی او اهمیت می‌دهند. بنابراین وقتی در کلاس و مهد ظاهر می‌شوند باید سعی کنند جوانی، شادابی، آراستگی، زیبایی و نشاط خودتان را حفظ نمایند. این نکات تاثیر زیادی روی کودکان و نوجوانان دارد. پیشنهاد می‌شود مربیان عزیز، قبل از آموزش، با برقراری ارتباط با بچه‌ها، خانه‌ای در قلب آن‌ها بنا کنند. این ارتباط‌گیری ممکن است با هر یک از کودکان متفاوت باشد: به یکی لبخند بزند، یکی را تحسین کند که تو درس را خوب می‌فهمی، کودکی را به آغوش بگیرد، شوخ‌طبعی و بذله‌گویی کند، کوتاه سخن بگوید،

خودش اهل عمل باشد، آن‌ها را امیدوار کند، و مهم‌تراز همه زبان نرم و مهرآمیز داشته باشد. چنانچه امام علی علیه السلام به فرزندش می‌فرماید:

وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ إِنَّهُ مَنْ لَأَنْتَ كَلِمَتُهُ وَجَبَّتْ مَحَبَّتُهُ وَطَبِيعِيٌّ أَنْ نَجِدَ كُلَّ مَحْبُوبٍ
مَسْمُوعٍ الْكَلَامِ؛^{۱۱} فرزندم! بدان کسی که سخنش نرم است، محبوب دل‌ها
می‌شود و طبیعی است که کلام هر محبوبی گوش‌کردنی است.

۲. اگر کودکان در خانه یا دانش‌آموزان در محیط مدرسه، پرسشی را مطرح کردند باید مورد تشویق قرار گیرند. برای تشویق پرسش‌گر می‌شود از تعابیری چون: آفرین، سؤال جالبی بود، این سؤال برای من هم هنگامی که در سنین شما بودم پیش آمد، سؤال تو مناسب فضای امروز ما بود، سؤال بیدارکننده‌ای بود و... استفاده بُرد.

۳. صمیمیت و لبخندها با کودکان و دانش‌آموزان باید صادقانه باشد نه تصنعی. آن‌ها به راحتی متوجه می‌شوند که چه نگاهی صمیمی، و چه لبخندهایی تصنعی است. کودکان، مجذوب سخنانی که فاقد مهر و عاطفه و محبت باشد نخواهند شد. آن‌ها، صمیمیت و زلالی را در سیمای شما می‌بینند، سپس از زبان شما استشمام می‌کنند. پیازه می‌گوید: کودکان، والدین خود را خدای خودشان تصور می‌کنند. هر طور باشند ایمان و خدای آن‌ها هم همان‌طور شکل می‌گیرد. دکتر دادستان - روان‌شناس نام‌آشنای ایرانی - می‌گوید: به میزانی که معلّم؛ اخلاقش خوب است، دانش‌آموز درس را بهتر می‌آموزد. معلّم خوش اخلاق، علاقه فرد به آن دانش‌را بالا می‌برد.

۴. هیچ چیز به اندازه طبیعی بودن و طبیعی صحبت کردن نمی‌تواند تاثیرگذار باشد. برخی می‌پندارند اگر در ارتباط و سخن گفتن با کودک و نوجوان، صدای‌شان را طوری خاصی کنند یا کش و قوس دهند آن‌ها خوش‌شان می‌آید؛ در حالی که کودکان این کارها! نوعی سخره گرفتن تلقی می‌کنند. بهترین ارتباط، طبیعی بودن است.

۵. به موقعیت مخاطب توجه کنید. وقتی کودک و نوجوان ایستاده، شما هم بایستید. اگر سماروی صندلی هستید، برای او هم صندلی بیاورید. این قبیل از رفتارها را دست کم نگیرید! بسیاری از افراد با همین رفتارها به درستی سخن و روش مخاطب خود اعتقاد پیدا می‌کنند.

۶. به اندیشه فرد حق بدهید و اصل پرسش و سخن او را صحّه بگذارید. یکی از

کارشناسان می‌گفت: «روزی یک نوجوان نزد من آمد و گفت: من به این اعتقاد رسیدم که خدا وجود ندارد. او منتظر موضع تند از من بود؛ اما من با خونسردی گفتم: تو اگر با یقین به این نتیجه رسیدی، در قیامت تو اهل دوزخ نیستی؛ زیرا خداوند با استدلال فرد طرف هست. ولی دوست دارم ببینم دلیل تو چیست؟!». باید ابتدا اندیشه و تفکر فرد را به رسمیت شناخت نه اینکه او را تحقیر کرد بعد انتظار به مسیر آمدن او را هم داشت.

۷. مهم‌ترین عامل در ارتباط‌گیری - که یک آموزگار و مربی بایست به آن توجه داشته باشد - نگهداشتن شخصیت بچه‌هاست. کودکان و نوجوانان، به این احترام و شخصیت دادن بیشتر نیازمند هستند؛ زیرا آن‌ها برای نخستین بار است که استقلال و شخصیت مستقل را تجربه می‌کنند. اگر بخواهیم برای ارتباط‌گیری، نقطه آغاز، پایه و اساسی مشخص کنیم، همان احترام به شخصیت کودک است. مصادیق احترام به شخصیت